

پیام متین

اشاره: این سرمقاله با طرح اهمیت درس‌آموزی از تاریخ و با نگاهی به وضعیت موجود تاریخنگاری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، برخی از مهمترین شرایط لازم را برای شکل‌گیری یک جریان نیرومند تاریخنگاری در این حوزه برمی‌شمارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا
فَاخْتَلَجَ الشَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ
مِثْلُهُ، كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزُّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ
النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ، كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ. صدق الله العلي العظيم.

پس از سال ۱۳۷۸ که به نام امام خمینی (س) نامیده شد، نامگذاری سال ۱۳۷۹ به نام گرامی امیرالمؤمنین علی (ع)، پیش و بیش از همه مناسبت‌های تاریخی و مدلولات معنوی و فرهنگی آن، تأکیدی است بر هویت علوی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران که معمار بزرگ و تاریخ‌ساز آن خود را شاگرد کوچکی در مکتب آن استاد بزرگ انسانیت در سراسر تاریخ می‌دانست. تاریخ در نگاه این بزرگان، صحنه آمیختن و درآویختن حق و باطل است که سرانجام رایت «دولت حق» با سرآمدن دوران «جوله باطل» در صحنه پرهیاهوی تاریخ سر بر می‌کند و خورشید حقیقت در واپسین افق حیات تاریخی بشر طلوع می‌کند. آنان که با مجاهدت در راه تأمین سعادت اخلاقی - دینی - دنیوی

بشر، خود را در جبهه حق می‌یابند، با این نگرش امیدبخش، با برگرفتن چشم انتظار از آن که لزوماً خود شاهد پیروزی را در پایان این نزاع تاریخی در آغوش کشند و به «نتیجه» برسند، به ادای «تکلیف» می‌انديشند.

تشخیص درست تکلیف و برگزیدن بهترین راه برای ادای آن، هر دو نیاز به شناخت و بصیرت عصری و تاریخی دارد. از این رو بود که برای امیرالمؤمنین علی (ع) و فرزند دلباخته او امام خمینی (س) با تاریخ زیستن و از تاریخ آموختن برجستگی ویژه می‌یافت. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمود که نه تنها از احوال پیشینیان آگاه است، بلکه این آگاهی چنان است که گویی با ایشان زیسته است و فرزند خود را که امام جامعه پس از او بود به آموختن از تاریخ فرامی‌خواند و او را پند تاریخی می‌داد:

أَيُّ بُنَى! إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرُو عُمَرَ مِّنْ كَانَ قَبْلِي، فَقَدْ نَظَرْتُ فِي
أَعْمَالِهِمْ وَفَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَ سِرِّهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ
كَأَنِّي بِمَا أَتَّهِنُ إِلَيْهِ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوَّلِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی نیز با آگاهیهای تحلیلی از تاریخ صدر اسلام، ایران و جهان مسلمانان و نیز دقت در احوال و رفتار بیگانگان، تصمیم‌گیریها و توصیه‌های خود را عمق تاریخی می‌بخشد و مسلمانان را به عبرت‌آموزی از تاریخ جهان اسلام دعوت می‌کرد. این بزرگان، نیک می‌دانستند که هر قومی از تاریخ بیاموزد یا نیاموزد، در هر حال آیندگان از او خواهند آموخت؛ اما اگر او از تاریخ بیاموزد، آیندگان از سرگذشت او عبرت‌اندوزی را می‌آموزند و اگر از تاریخ نیاموزد، آیندگان از سرنوشت او عبرت خواهند گرفت تا همچون او بهای بی‌اعتنایی به تاریخ را نپردازند.

اینک در آغاز دهه سوم استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران که نقطه عطفی در تاریخ حیات اجتماعی مسلمانان به شمار می‌آید، جا دارد تا به جد به مقوله تاریخنگاری انقلاب اسلامی ایران بپردازیم. مقوله‌ای که وضعیت کنونی آن موجب تأسف و نگرانی بسیار است. تردیدی نیست که اگر تاریخ فرهنگ، تمدن و حیات سیاسی و مدنی خود را به دست خود ننویسیم، دیگران این خلأ را چنان که می‌پسندند پر خواهند کرد. تلاشهای دامنه‌دار و سنگینی که در خارج از کشور، در قطبهای علمی و سیاسی دنیا برای نوشتن تاریخ انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد از نظر کمی و کیفی با آنچه در این باب از موضع ناظران و عاملان دست اول و وفاداران به این طریقت و ملت صورت پذیرفته است، قابل مقایسه نیست. بسیار غم‌انگیز و هراس‌آور خواهد بود که برای به دست آوردن چهارچوبهای

نظری و تحلیلی و حتی برای مطالعهٔ اسناد و مواد خام اولیهٔ تاریخنگاری انقلاب اسلامی هم اکنون یا در آینده‌ای نزدیک چاره‌ای جز مراجعه به منابع بیگانه نداشته باشیم و به ناگزیر این پدیده تاریخی و سرنوشت‌ساز را که رکن هویت‌بخش ما در جهان معاصر است، از نگاه ایشان به نظاره بنشینیم. این واقعیت اجتناب‌ناپذیر و غیر قابل بازگشت را باید پذیرفت که کاروان شتابان و پرخروش پژوهش در سطح بین‌المللی منتظر یا نگران هیچ قافلهٔ عقب‌مانده‌ای نخواهد ماند. داعیه‌های بیگانگان در حوزهٔ علوم اصیل اسلامی نیز کمتر از داعیه‌های ایشان در حوزهٔ تاریخنگاری ایران، اسلام، انقلاب و جمهوری اسلامی نبوده است، اما مجاهدتهای فداکارانهٔ مفسران، مورخان، متکلمان، فیلسوفان، فقیهان و اصولیان سبب شد تا علاقه‌مندان خارجی حوزهٔ فرهنگی ایران و اسلام دست از داعیه‌داری در باب علوم اسلامی بردارند و به شاگردی نزد آنان آیند. با این حال این ادعا همچنان مطرح می‌شود که هر چند زبان علمی و فرهنگی مسلمانان عربی و فارسی است، اما هیچ مطالعه‌ای در باب هیچ یک از علوم و معارف اسلامی جز به مدد دانستن زبانهای اروپایی کامل نیست.

علامه طباطبایی و شهید مطهری تلاش پیگیر و مبارکی را آغاز کرده بودند تا در فلسفهٔ تاریخ به مواضعی متناسب با جهان‌بینی اسلامی دست یابند، اما پس از ایشان این تلاشها به جد پیگیری نشد. در عرصهٔ تاریخنگاری سنجیده، وفادارانه و قابل عرضه در عرصهٔ بین‌المللی تاریخنگاریهای تحلیلی - تبیینی معتبر در باب انقلاب و جمهوری اسلامی و تاریخ ایران سده‌های اخیر دست ما از این هم تهی‌تر است و جز به چند تک‌نگاری خُرد و مواردی نادر نمی‌توان اشاره کرد. جبران این سستی و فتور منوط به تأمین شرایطی است که امیدواریم آوردن شمه‌ای از فهرست بلند آن در اینجا بتواند همدلی و همکاری همهٔ صاحب‌نظران و مسئولان نگارش تاریخ معاصر ایران و خصوصاً انقلاب و جمهوری اسلامی را برای آسیب‌شناسی جدی تاریخنگاری معاصر و تلاش برای تأمین شرایط جبران این آسیبها جلب کند:

- گسترش نگرش فلسفی به مقولهٔ تاریخ و تاریخنگاری؛

- روی آوری به تأملات روش‌شناختی در باب تاریخنگاری؛

- رویکرد میان‌رشته‌ای و تلفیقی به تاریخنگاری و مطالعهٔ تاریخ؛

- پرهیز از رویکردهای مبتنی بر ملاکهای مصلحتی و قدرتی زودگذر در تاریخنگاری، ثبت

وقایع و گزارشهای تاریخی و نیز در ارزیابی تلاشهای تاریخنگاران؛

- جدا کردن حساب تاریخنگاری رسمی و عمومی از تاریخنگاری انتقادی و تخصصی و البته ادای سهم در خور آنها که هر یک برای تأمین منظوری خاص، باید از قواعد مخصوص به خود تبعیت کند؛

- توجه به جایگاه، تأثیرات و تأثرات تمدنی و فرهنگی انقلاب و جمهوری اسلامی در جهان اسلام معاصر، علاوه بر توجه به ریشه‌های داخلی آن؛

- توجه به تأثیرات و تأثرات سیاسی و ژئوپلیتیک انقلاب و جمهوری اسلامی در مقیاس منطقه‌ای و بین‌المللی؛

- امانت‌داری در حفظ و نشر اسناد و وقایع‌نگاری دقیق رویدادها بدون در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی - اجتماعی و غیر معرفتی؛

به هر حال تاریخنگاری هیچ رویدادی خاتم‌التواریخ آن رویداد را فراچنگ نمی‌آورد و هر چه زمان بیشتری بر هر رویداد تاریخی بگذرد، انعکاسهای تاریخی آن، جلوه‌هایی نو به نو از آن رویداد را فراروی منظرهای جدید تحلیلهای تاریخی خواهد نهاد، اما روشمندی، عمق و فراگیری تحلیلهای استنادهای افزون‌تر و معتبرتر تاریخی است که برخی از تاریخنگاریها را در میان مجموعه‌ای از تاریخنگاریها، ممتاز و ماندگار می‌کند.

امروزه پرداختن دقیق، روشمند، عالمانه، تحلیلی و منصفانه به تاریخ معاصر ایران و بویژه انقلاب اسلامی ایران و تأمین شرایط لازم برای شکل گرفتن جریانی نیرومند در تاریخنگاری ایران معاصر، برای همه کسانی که به هر نحوی تعلق خاطری به واحد فرهنگی و ملی ایران احساس می‌کنند، وظیفه‌ای علمی و پژوهشی و برای دلبستگان به آرمانهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، فریضه‌ای آرمانی، اخلاقی، اسلامی و انقلابی است. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِّمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ.

والحمد لله رب العالمين